

#کارت ملی‌های دلنشین

جامعه پدیا

فاطمه عسگری نیا | روزنامه‌نگار | الزام

دفتر پیشخوان به نمایش عکس متقاضی قبل از صدور کارت ملی، خبر خوشحال کننده‌ای که به جرات می‌توان گفت یک ایران با شنیدنش خوشحال شدند، چرا که این نارضایتی از تصاویر کارت‌های ملی تقریباً مشمول همه کسانی است که تا به امروز این کارت‌ها را دریافت کر ده‌اند؛ موضوعی که حالا رئیس سازمان ثبت‌احوال کشور هم آن را تأیید کرده و گفته با صدور بخشنامه‌ای به دفاتر پیشخوان اعلام کرد، ما هم که ملزم هستیم یک ماینیتور در سمت متقاضی قرار دهند تا عکس متقاضی پس از مشاهده و تأیید خود او، برای صدور کارت ملی ارسال شود. حامد معیر، معاون نوآوری و هوشمندسازی خدمات سازمان ثبت‌احوال هم در این باره در گفت‌وگو با همشهری گفت: با توجه به گرایمندی‌های برخی از شهروندان در خصوص تصاویر روی کارت‌های ملی از اینجا که این تصاویر با دقت و ملاحظات لازم گرفته نشده بود سازمان ثبت‌احوال کشور طی ابلاغیه‌ای دفاتر پیشخوان را مکلف کرد از این به بعد ماینیتوری را رویه‌روی شهروندان قرار دهند و بعد از اخذ تصویر مر بوب‌سه آن را ابتدا به تأیید شهروندان برسانند، بعد نسبت به ارسال برای صدور کارت ملی اقدام کنند. به گفته معیر، این امکان البته فقط برای متقاضیان جدید صدور کارت‌های ملی امکان‌پذیر است و عکس را هم اینگونه بیان کرد: «با توجه به اینکه ما در حال حاضر در بحث تأمین بدنه و خراشه کارت ملی با مشکلاتی رویه‌رو هستیم و این چالش‌ها صرفاً مربوط به سازمان ثبت‌احوال نیست و آژوارخانه دیگر هم درگیر ماجرا هستند، امکان تغییر تمامی کارت‌های ملی صادر شده قبلی وجود ندارد، در صورتی که اگر بدنه کارت ملی تأمین شود ما آمادگی داریم درخواست مردم را در این باره اجابت کنیم. در حال حاضر ما هانه حدود ۲ تا ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار کارت ملی در کشور صادر می‌شود. لذا با توجه به محدودیت‌هایی که در زمینه تأمین بدنه کارت و تراشه کارت ملی وجود دارد، توصیه می‌کنیم شهروندان کارت ملی خود را حفظ کنند اما اگر خیلی تصویر کارت ملی برخی افراد برای آنها اذیت‌کننده باشد، در راستای به‌روزرسانی آثار بیومتریک به دفاتر پیشخوان مراجعه و نسبت به درخواست صدور کارت ملی جدید اقدام کنند اما باید آگاه باشند که پروسه صدور کارت ملی جدید حتماً زمان‌بر است. او این نکته را هم یادآور شد که تاریخ اعتبار تمامی کارت‌های ملی تا پایان سال ۱۴۰۵ تمدید شده و معتبر است.

فاطمه و زهرا پر تکرار ترین اسامی دخترانه ایرانی

هر سال محبوب‌ترین اسامی ایرانی از سوی سسازمان ثبت احوال به تفکیک پسران و دختران اعلام می‌شود و اسامی مذهبی همیشه بیشترین تکرارها را

اصل و شرح

دردسرهای «شاد»

اختلاف آماری کاربران، اختلال در اجرای برنامه و همه حواشی دیگر یک نرم‌افزار که قرار بود جور آموزش از راه دور به دانش آموزان را بکشد

جامعه امروز

محمد سربابی | روزنامه‌نگار | برگزاری کلاس‌های مجازی و درس خواندن با گوشی تلفن همراه، نشانه پیشرفت فناوری یک کشور نیست. وقتی استفاده از این برنامه‌ها ناگهان زیاد می‌شود یعنی روال آموزش کودکان آسیب‌دیده و کلاس‌های حضوری به ناچار مجازی شده‌اند. ۶ سال از ساخت اپلیکیشن شاد می‌گذرد و این برنامه همچنان مشکلاتی برای برگزاری کلاس‌های آنلاین دارد. از اوایل ماه آذر ۱۴۰۴ آلودگی هوا مدرسه‌های شهرهای بزرگ تهران و مشهد و... را تعطیل کرد و باز کلاس‌های درس در برنامه شاد تشکیل شدند. همشهری در این باره از علی باقرزاده «مدیر راهبری شاد» درباره آخرین وضعیت کاربرد این نرم‌افزار پرسیده است. به گفته او، شاد بیش از ۱۱ میلیون کاربر دارد.

۱۶ میلیون نفر

تعداد دانش آموزان ایران در سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴

۱۱.۵ میلیون کاربر

استفاده کنندگان شاد در پاییز ۱۴۰۴

۸ و ۹ آذر

اوج اختلال شاد در ابتدای شروع کلاس‌های مجازی

در میان شهروندان و در میان اسامی انتخاب شده برای نوزادان دارند. امسال نیز همزمان با ولادت فرخنده فاطمه زهرا(س) مرکز رصد جمعیت سازمان ثبت‌احوال کشور اعلام کرد که نام‌های فاطمه و زهرا بیشترین فراوانی نام‌های زنان ایرانی است. بیش از ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در کشور نام فاطمه و ۲ میلیون

نفر نام زهرا دارند. نام مریم، معصومه و زینب در رتبه‌های بعدی نام دختران در کشور قرار دارند. در فهرست اسامی انتخاب شده در سال ۱۴۰۴ برای نوزادان هم اسامی فاطمه و زهرا بیشتر از بقیه نام‌ها انتخاب شده‌اند و اسامی آوا، مرسانا، بهار، حلما، همتا، یسنا و نازنین زهرا در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

۳ میلیون کاربر همزمان

آموزش و پرورش، شاد را بعد از کرونا هم نگه‌داشت. تعطیلات سالانه آلودگی هوا باعث شد که شاد هر سال در فصل سرد به کار گرفته شود. امسال هم تعطیلی کلاس‌ها باعث شد که دانش آموزان و معلمان به سراغ شاد بروند اما همان مشکلات قبل باعث شد که بعضی کلاس‌ها در برنامه‌های دیگر محدود باشند. هنوز هم سرویس‌دهی این نرم‌افزار معایبی دارد؟ خسار یا فایده؟ «مدیر محصول» اپلیکیشن شاد نیم آذر امسال به ایسنا گفته بود که شاد می‌تواند همزمان ۳ میلیون دانش آموز را پوشش دهد و رفع مشکلات آن به تقویت زیرساخت‌ها بستگی دارد. یعنی باید با صرف هزینه، سرورهای بیشتر به کار گرفته شود تا ظرفیت شبکه شاد بیشتر شود. اختلاف بین ۱۱.۵ میلیون و ۳ میلیون کاربر، مربوط به عدد حساب‌های کاربری و تعداد افرادی است که همزمان وارد شاد می‌شوند.

در دوران کرونا همه جمعیت دانش آموزان کشور باید از شاد استفاده می‌کردند و اپلیکیشن گنجایش آنها را نداشت اما در تعطیلی‌های کنونی آلودگی هوا، فقط دانش آموزان چند شهر بزرگ به شاد مراجعه می‌کنند. هم تعداد کاربران همزمان کاهش پیدا کرده و همزمان کافی برای اصلاح نرم‌افزاری طی شده، ولی شاد هنوز هم درگیر اختلال است.

شروع از کرونا

برنامه شاد در زمان شیوع کرونا راه‌اندازی شد. آموزش و پرورش نمونه‌هایی از برنامه‌های شبکه اجتماعی یا پیام‌رسان را در سال‌های قبل از ۱۳۹۸ آزمایش کرده بود، اما زمانی که بیماری کرونا شیوع پیدا کرد و مردم باید در خانه می‌ماندند تا ویروس پخش نشود، در اینجا ساخت یک اپلیکیشن جامع مخصوص آموزش مجازی دیگر تبدیل به ضرورت شد. اسفند ۹۸ محدودیت‌های کرونا همه‌گیر شد و اردیبهشت ۹۹ کلاس‌های درس در شاد برگزار شدند. از همان موقع مشکلات شاد هم شروع شد. به جز کسانی که گوشی هوشمند یا پوشش اینترنت پرسرعت نداشتند، آنهایی که می‌توانستند برنامه شاد را نصب کنند و وارد کلاس‌ها شوند هم می‌دیدند که فایل‌های عکس و صوت به کندی بارگذاری می‌شود. اپلیکیشن قطع و وصل می‌شد و پیام‌ها دیر فرستاده می‌شدند. همین به باعث شد که معلمان و دانش آموزان به سمت استفاده از واتساپ بروند. واتساپ تا پاییز ۱۴۰۱ فیلتر نبود و از دی‌ماه ۱۴۰۳ نیز مجدداً رفع فیلتر شد.

برف شادی

در هفته‌ای که گذشت، در برخی از استان‌های ایران، بارش باران و برف داش‌تیم و این بارش دیر هنگام مردم را آنقدر سر ذوق آورد که صدها فیلم و عکس از آن منتشر کردند. این خوشحالی

به حدی بود که مردم حتی از گرفتار شدن در جاده مر یوان یا هشت‌رود آذربایجان شرقی فیلم گرفتند و خدا را شکر کردند. بارش‌ها باعث شد هوای تهران بعد از ۱۹ روز مستمر آلودگی، تمیز

شود و رشته‌کوه‌های شمال تهران رخت سفید بپوشند و از جنوبی‌ترین نقطه شهر خودنمایی کنند. مردم امیدوارند که تداوم بارش‌ها کشور را از شر خشکسالی نجات دهد.

گزارش

خانم مارپیل ایرانی

گفت‌وگو با کارآگاه سوم جنایی زن که عملیات‌های زیادی را برای به‌دام‌انداختن متجاوزان انجام داده است

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | نیمه‌شب، انتهای آخرین کوچه‌ای در محله‌ای در حاشیه جنوبی شهر که انگار بعد از آن تهران شده، خانه‌ای کلتگی با بلاکی ناخوآنا، مأمورانی مسلح و متهمی در رختخواب غافلگیر و دستگیر شده... حالا وقتش است نشان خود را سوی متهم بگیرد: «به جرم تجاوز به عنف، بازداشتی.» همان نشان کارآگاه سوم جنایی که برای به‌دست‌آوردنش از پس آزمون‌های علمی کشف جرم، آمادگی جسمانی، دفاع شخصی، تیراندازی و عملیات‌های تعقیب و گریز بسیار، برآمده و گره‌ها جانباخت‌گوناگون خانوادگی و سریالی و پاندی گشوده‌است. این داستان کارآگاه سوم جنایی سرهنگ طاهره میرزاخانلو، جانشین رئیس اداره ۱۶ (تجاوز به عنف، تهدید به قتل و اسیدپاشی) پلیس آگاهی شاهپور است که سال ۱۳۷۸ (آغاز آموزش و فعالیت پلیس زن بعد از انقلاب اسلامی) وارد دانشگاه افسری و سال ۱۴۰۲ این‌بیز به‌عنوان کارآگاه برتر زن شناخته شد. میرزاخانلو سال‌هاست که برای به‌دام‌انداختن متجاوزان و احیای حق قربانیان رد معمولی‌ترین سرنخ‌ها را می‌گیرد. همکاری‌اش به لقب خانم مارپیل ایرانی را داده‌اند.

به اصرار مادر پلیس شدم

نه زمانی که آگاتا کریستی داشت یکی از پر فروش‌ترین رمان‌هایش را می‌نوشت و نه وقتی که جون هیکسون نقش کاراکتر خانم مارپیل را بازی می‌کرد و نه حتی وقتی که خبر تصویب قانون تربیت پلیس زن در ایران بعد از انقلاب اسلامی که مثل بمب ترکید، طاهره تصویر نمی‌کرد جایی از سرنوشتش به این شغل هیجان‌انگیز گره بخورد. با اینکه پدرش بازنشسته‌ار تش است و او از کودکی در مواجهه مستقیم با شرایط خاص زندگی کارکنان نظامی بود اما تازه وقت انتخاب رشته دانشگاهی، توجه او به آن به‌عنوان شغلی ویژه جلب شد؛ «آن هم به پیشنهاد و اصرار مادرم که می‌گفت پلیس زن کمتر از دکتر خانم نیست...» طاهره در سخنان بود و تا آن زمان عزم خود را فقط برای پزشکی‌شدن جزم کرده‌بود، اما توصیه لحظه آخری مادرش هم به گوشش خوش آمده بود: «انتخاب دومم را زدم رشته پلیس آگاهی در دانشگاه افسری تهران. سال ۷۸ بود و من هم جزو نخستین گروه پذیرفته‌شدگان پلیس زن بعد از پیروزی انقلاب.» تا قوم و خویش و همسایگان از تکان خبر قبولی دختر سرهنگ ار تش در دانشگاهی که پیش‌تر برای زنان ورود ممنوع بود، بیرون آیند، طاهره با اشتیاق ترم نخست را پشت‌سر گذاشت: «از همان ابتدا چنان شیفته رشته تحصیلی‌ام شدم که آرزوی پزشکی‌شدن فراموشی‌شد؛ طوری که انگار اصلاً چنین آرزویی نداشتم.» دروس آیین دادرسی مدنی، ادله اثبات دعوا، جرم‌شناسی، روان‌پزشکی جنایی و کارروزی حساسی او را برای درس‌خواندن سر ذوق می‌آورد.

بختی که در آگاهی شاهپور باز شد

با توجه به رسته نظامی‌اش بعد از فارغ‌التحصیلی یکر است آمد ساختمان معروف آگاهی شاهپور: «سال ۸۲ بود و قبل از ورودم به آگاهی شاهپور در مورد تاریخ ساختمانش کنجکاوی کردم. برابیم هیجان‌انگیز بود در فضایی شاغلی می‌شدم که از اواخر قاجار قدمت و قصه داشته و داره؛ از اداره پلیس خفیه و کارآگاهی تا پلیس مقتدر زن امروز.» مدتی را در اداره جعل و کلاهبرداری مشغول خدمت بود و هم‌زمان دوره‌های آموزش تخصصی تعقیب و مراقبت، بازجویی، بدرفه متهمان، تحقیق و سرنخ‌یابی، فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی، گشت‌های محسوس و نامحسوس می‌گذراند. جالب اینکه طاهره، همسرش را نیز اینجا یافت و ازدواج کرد؛ کارآگاه عملیات ویژه، بعدتر سر از اداره ۱۶ پلیس آگاهی در آورده جایی که محل آمد و شد متجاوز و قربانی بود و همین سبب می‌شد گاهی یاد بعضی حرف‌های دور و بر بیفتد: «زن را چه به دزد و قاتل... پلیس باید مرد باشد نه زن... چادر کجا و تفنگ و دستبند کجا... البته مقابل این آدم‌ها تعدادی هم بودند که باعث انگیزه و اعتماد به نفس می‌شدند.» کار در اداره ۱۶ هم سخت است و هم آسان: «سخت از این بابت که از رنج قربانیان درد می‌کشم و آسان از این نظر که زنانگی و مادرانگی‌هایم به کار پرونده‌های این اداره می‌آید...»

خیال پردازی و سانسورها، خط قرمز خانم کارآگاه

برای پسوند و پیشوندهای طولانی که سال‌هاست پس و پیش نامش قرار گرفته بسیار تلاش کرده؛ از آزمون‌های متعدد علمی و عملی که گذرانده تا شبانه‌روهایی که بی‌وقفه کار کرده، خانه نرفته و فرزندانش را ندیده‌است. سال ۱۳۹۸ نشان کارآگاهی خود را ضمن ارائه ۲۰ مورد از پرونده‌های شاخصی که به سرانجام رسانده‌بود، دریافت کرد: «بخش‌تین پرونده‌ای که به‌عنوان کارآگاه اداره ۱۶ زیر دستم آمد مربوط به متجاوزی سریالی در محدوده لوپزان بود که کودک‌ان را آزار می‌داد... کودک‌ان قربانی، خط قرمز من هستند.» فرقی نمی‌کند قربانی فردی معمولی باشد یا سلبریتی یا پرونده ساده باشد یا جنجالی؛ او برای پنهان نماندن ماه زیر ابر همه‌توانش را به کار می‌بندد؛ «پرونده‌هایی داریم که در یک ساعت حل می‌شوند و پرونده‌هایی هم هست که تحقیقاتش ماه‌ها و سال‌ها طول می‌کشد. در هر صورت حواسم به تک‌تک‌شان هست. برای هر کدام یادداشت‌هایی می‌نویسم تا قدم به قدم و بدون اقدامی تکراری جلو بروم. بعضی پرونده‌ها که سریالی یا باندهی هستند، پیچیده‌اند؛ مثل پرونده‌هایی که اخبارش در شبکه‌های مجازی می‌چرخد و افکار عمومی را آزرده می‌کند، در این صورت اتاق فکر تشکیل می‌دهم.» شاید ظاهرش طی این سال‌ها که مدام در حال بازجویی متجاوزان و تحقیق از قربانیان بوده، جدی شده‌باشد اما خشن نیست. تحقیق از قربانیان کودک، سخت و تخصصی است. کودک‌ان، خیال‌پردازند و ضعیف در برابر ترس. سرهنگ میرزاخانلو به تجربه دریافته‌است، کودک‌کانی که دچار بلوغ زودرس هستند ممکن است در بیان ماجرا خیال پردازی‌های رمانتیک داشته باشند و کودک‌کانی که والدین کنترل‌گر دارند ممکن است از ترس بخش‌هایی از حادثه تجاوز را سانسور کنند.

